

## کنشگری اجتماعی در فضای مجازی (مطالعه موردی کنشگران کُرد عراق)

علیرضا عبداللهی نژاد<sup>۱</sup>، سندس محمدی نوسودی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۹/۶/۲۰، تاریخ تایید: ۰۰/۱/۲

DOI: 10.22034/JCSC.2021.136200.2225

### چکیده

کنشگران اجتماعی در میدان مبارزه برای تغییر محیط اطراف خود، فنآوری‌های جدید ارتباطی را به کار گرفته‌اند. هدف مقاله حاضر، مطالعه کنشگری اجتماعی کُردهای کشور عراق در فضای مجازی است. در این پژوهش، از ترکیب دو روش مردم‌نگاری مجازی و مصاحبه عمقی استفاده شده است. نتایج پژوهش حاضر، نشان می‌دهند که محدودیت‌هایی نظیر حزبی‌بودن رسانه در اقلیم کردستان باعث شده‌اند که کنشگران کُرد عراقی نتوانند از مجراهای اصلی برای رسیدن به اهدافشان استفاده کنند. همین عوامل، کنشگران کُرد عراقی را به استفاده از رسانه‌های جایگزین که در مطالعه حاضر، شبکه‌های اجتماعی هستند، برای فعالیت سوق می‌دهد. اصلی‌ترین مزایای شبکه‌های اجتماعی برای کنشگران کُرد کشور عراق شامل رواج شهروند خبرنگاری، از بین رفتن سانسور و کنترل دولت‌ها، امکان مقاومت و فعالیت سیاسی، درهم‌تنیدگی ابعاد آنلاین و آفلاین و برقراری ارتباط با کنشگران کُرد سایر کشورها هستند. یکی از بارزترین ویژگی‌های کنشگری کُردهای عراق در فضای مجازی، ارتباطی است که آنها با کُردهای سایر کشورها پیدا می‌کنند و از این طریق می‌توانند به کنش‌های مشترکی در راستای هویت کُردی‌شان دست بزنند.

**واژگان کلیدی:** کنشگری، کنشگری مجازی، کُردهای عراق، رسانه‌های اجتماعی، تعامل درون قومیتی.

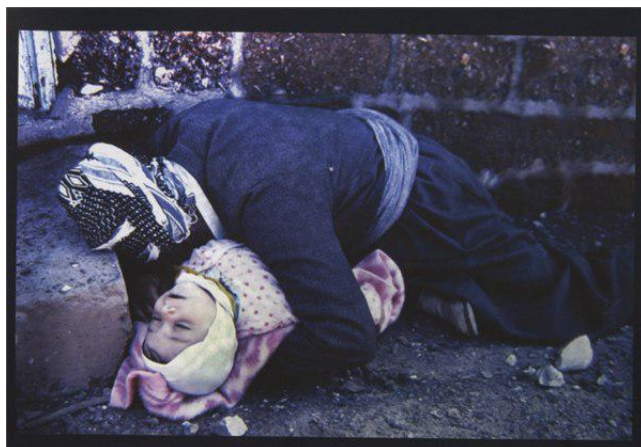
۱ استادیار گروه روزنامه‌نگاری، دانشکده علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)؛  
abdollahinejad@atu.ac.ir

۲ کارشناسی ارشد علوم ارتباطات، گرایش روزنامه‌نگاری، دانشگاه علامه طباطبائی؛  
Sondosmn26@gmail.com

### مقدمه و طرح مسئله

در تاریخ ۱۶ مارس ۱۹۸۸ نیروهای دولتی عراق در زمان رژیم صدام حسین به بمباران شیمیایی شهر حلبچه دست زدند. حمله شیمیایی به حلبچه که با عنوان «کشتار حلبچه» یا «جمعه خونین» هم شناخته می‌شود، نسل‌کشی مردم کرد بود که باعث کشته شدن پنج هزار نفر و مجروح شدن هفت تا ۱۰ هزار نفر شد. با وجود اهمیتی که این مسئله داشت، ولی به دلیل پوشش اندکی که از آن صورت گرفت، واکنش‌های محدودی را در میان کردها و مردم سایر کشورها ایجاد کرد. حتی کردهایی هم که در دیگر شهرهای کردستان عراق زندگی می‌کردند، به عمق فاجعه روی داده در حلبچه پی نبردند و نتوانستند یک اقدام جمعی منسجم را در حمایت از مردم حلبچه سامان دهند. یکی از دلایل اصلی بسته ماندن چشم‌های دنیا به روی حلبچه این بود که کردها در کردستان عراق به رسانه‌ای که صدای آنها را در گستره جهانی پخش کند، دسترسی نداشتند. حالا با گذشت سه دهه از آن رویداد تلخ تاریخی، در دو دهه اخیر شاهد گسترش کمپین‌های مختلفی در فضای آنلاین و آفلاین هستیم که در یادبود شیمیایی شهر حلبچه شکل می‌گیرند. پژوهش حاضر، به دنبال واکاوی این مسئله است که کنشگری کردها عراق بعد از گسترش فضای مجازی چه تغییراتی را پشت سر گذاشته است.

**عکس عمر خاور و فرزندش به نمادی برای فاجعه حلبچه تبدیل شد:**



گسترش استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی عرصه‌های گوناگون زندگی بشر را متحول کرده است (زراقی و دیگران، ۱۳۹۶؛ کرمانی و آتش زر، ۱۳۹۸؛ خانیکی و خجیر، ۱۳۹۸). یکی از اصلی‌ترین این حوزه‌ها تحولاتی است که در جنبش‌های اجتماعی معاصر روی داده‌اند (کاستلز، ۱۳۹۳؛ خانیکی و بصیریان جهرمی، ۱۳۹۲؛ Kavada, 2015). اینترنت تأثیر بسزایی در نحوه ساماندهی جنبش‌های اجتماعی و فعالان معاصر و هماهنگی و بسیج برای اقدامات جمعی دارد (Ayres, 2003; Cammaerts, 2005; Bennett, 2003b). گروه‌هایی که تا پیش از این، تصویری در رسانه‌های جریان اصلی نداشتند و یا تصویری محدود و تحریف‌شده از آنها ارائه می‌شد (Gitlin, 1980; McLeod & Hertog, 1999)، اکنون به مدد رسانه‌های اجتماعی می‌توانند گزارش‌های رسانه‌های جریان اصلی را واژگون کنند و جریان‌های خبری خود را راه بیندازند (Poell & van Dijck, 2015). شبکه‌های اجتماعی، ماهیت فعالیت‌های اجتماعی در عصر حاضر را تغییر داده‌اند و آنها را به سمت‌وسویی تازه، فراتر از مرزهای ملی کشورها سوق داده‌اند.

مقاله پیش رو، به دنبال مطالعه کنشگری اجتماعی کردهای عراق در فضای مجازی است. کردستان یا سرزمین کردها، منطقه جغرافیایی در خاورمیانه است که در آن کشورهای ترکیه، ایران، عراق و سوریه همگرا هستند و اکثریت مردم آن کرد هستند (Gunter, 2009: xxvii). در کشور عراق حدود ۵ میلیون کرد وجود دارد که ۱۵ تا ۲۰ درصد جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند (Torelli, 2017: 21). کردستان عراق بعد از جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ عملاً به صورت خودگردان اداره می‌شود. با توجه به گسترش کنشگری مجازی در سراسر جهان، مقاله حاضر، به دنبال این است که به سؤالات زیر در زمینه کنشگری اجتماعی کردهای عراق در فضای مجازی پاسخ دهد:

سؤال اصلی این پژوهش به شرح زیر است:

- کنشگری اجتماعی کردهای کشور عراق در فضای مجازی به چه صورتی است؟

سؤالات فرعی پژوهش نیز عبارتند از:

- نگاه کنشگران کرد عراق به رسانه‌های جریان اصلی اقلیم کردستان چیست؟

- مهم‌ترین مشکلات منتقدان و کنشگران در اقلیم کردستان چه مواردی هستند؟

- مزایای اینترنت برای کنشگران اقلیم کردستان چه مواردی هستند؟

- کنشگران اقلیم کردستان در شبکه‌های اجتماعی چه اقداماتی را انجام می‌دهند؟

## ادبیات مفهومی و نظری

### کنشگری دیجیتال

کنشگری<sup>۱</sup>، یک اصطلاح نسبتاً جدید است که در اواسط دهه هفتاد معرفی شده است (Cammaerts, 2007: 17). این اصطلاح با مفاهیم جنبش اجتماعی، مقاومت، حمایت و اعتراض ارتباطی نزدیک دارد (Harp et al, 2012: 300). کنشگری می‌تواند در بسیاری از اشکال، در بسیاری از تنظیمات و به دلایل مختلفی صورت بگیرد؛ به همین دلیل، تعریف کردن آن دشوار به نظر می‌رسد. کنشگری به عنوان ارتباطات سیاسی غیرپارلمانی و یا اقدامی با هدف بازتعریف، اخلاص، انتقاد و یا به چالش کشیدن برخی از ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جاری با قصد جایگزین کردن آنها با ساختارهای مساوات‌طلبانه‌تر، تعریف می‌شود (Dahlberg-Grundberg, 2016: 6). گسترش استفاده از اینترنت و رسانه‌های اجتماعی باعث تغییراتی اساسی در کنشگری شده است و به مباحث زیادی پیرامون نوع جدیدی از کنشگری که کنشگری دیجیتال نامیده می‌شود، دامن زده است. وگ<sup>۲</sup> (۲۰۰۳) کنشگری دیجیتال (آنلاین) را به عنوان «جنبش‌های سیاسی مبتنی بر اینترنت» تعریف می‌کند. کنشگری آنلاین از منظر وگ، فعالانه بوده و مقصود آن، رسیدن به اهداف خاصی است و معمولاً کنترل و قدرت مقامات را هدف قرار می‌دهد (۷۲). همچنین، جويس<sup>۳</sup> (۲۰۱۰) کنشگری دیجیتال را استفاده از فناوری‌های دیجیتال تلفن همراه و دستگاه‌های مبتنی بر اینترنت برای تغییرات سیاسی و اجتماعی تعریف می‌کند. اصطلاح کنشگری دیجیتال یک چارچوب جامع برای درک روش‌هایی است که از زیرساخت‌های شبکه دیجیتال استفاده می‌کنند.

هزینه مشارکت آنلاین معمولاً بسیار کمتر از اقدامات مدنی سنتی نظیر اعتصاب، اعتراض، برگزاری جلسه اجتماعی و نوشتن نامه به دولت است (Lee & Hsieh, 2013). فعالان، کاری را که قبل از اینترنت انجام می‌دادند، به صورت ارزان‌تر، مؤثرتر و با هزینه کمتر انجام می‌دهند (Cammaerts, 2015). این مسئله حداقل برای کسانی که از شکاف دیجیتال عبور کرده‌اند، حائز اهمیت است (Bennett, 2003a). کاهش هزینه‌های مشارکت در رسانه‌های اجتماعی باعث جذب و نگهداری افراد جدید می‌شود (Cammaerts, 2015). این مسئله، به‌ویژه برای آن قسم از جنبش‌های اجتماعی که منابع مالی محدودی دارند، بیشتر اهمیت دارد (Sandvik, 2005).

1 Activism

2 Sandor Vegh

3 Mary Joyce

شبکه جهانی اینترنت از یک سو، عمل جمعی آفلاین سنتی را از طریق سازمان‌دهی، بسیج و بین‌المللی کردن، تسهیل کرده است و از آن حمایت می‌کند و از سوی دیگر، حالت‌های جدیدی از اقدام جمعی را ایجاد می‌کند. در واقع اینترنت، نه تنها از اقدامات جنبش‌های اجتماعی آفلاین سنتی مانند تظاهرات خیابانی حمایت می‌کند و آنها را فراتر از مرزهای ملی می‌برد، بلکه همچنین برای ایجاد فعالیت‌های اعتراضی آنلاین و دخالت در اقدامات آفلاین اعتراضی مورد استفاده قرار می‌گیرد (Van Laer & Van Aelst, 2010: 1147). در سال‌های اخیر، تعداد نقش‌هایی که به شیوه‌های مبتنی بر اینترنت وابسته‌اند، به نسبت شیوه‌های حمایت‌شده توسط اینترنت بیشتر شده‌اند، به‌عنوان مثال آنها از ابزارهایی تشکیل شده‌اند که قویاً خودشان را اثبات کرده‌اند. شبکه در برابر شبکه استفاده می‌شود. در واقع فعالان از اینترنت و رسانه‌های اجتماعی به‌عنوان سلاح برای حمله به دشمنان ایدئولوژیک خود استفاده می‌کنند (Cammaerts, 2015: 6).

### جنبش‌های اجتماعی شبکه‌ای شده

مانوئل کاستلز در کتاب «شبکه‌های خشم و امید» که به‌نوعی ادامه کتاب پیشین وی «قدرت ارتباطات» است با مطالعه جنبش‌هایی که از جهان عرب آغاز شدند و سپس به اروپا، آمریکا و سراسر دنیا سرایت پیدا کردند، نظریه «جنبش‌های اجتماعی شبکه‌ای شده» را مطرح می‌کند. کاستلز در صحبت از کنشگری، قدرت و ضدقدرت را از یکدیگر تفکیک می‌کند. به‌زعم وی «صاحبان قدرت، نهادهای جامعه را بر اساس ارزش‌ها و منافع خود می‌سازند. قدرت از طریق ابزارهای اجبار و یا ساخت معنا در ذهن مردم از طریق مکانیزم‌های دست‌کاری عناوین اعمال می‌شود» (کاستلز، ۱۳۹۳: ۱۲).

کاستلز با استناد به تناقض‌ها و تضادهای که در جوامع ریشه دوانده‌اند، نتیجه می‌گیرد که هر جایی که قدرت وجود دارد، ضدقدرت نیز حاضر است. او ضدقدرت را «ظرفیت کنشگران اجتماعی برای به چالش کشیدن قدرت» در نظر می‌گیرد. جنگ قدرت بنیادین از نظر کاستلز «نبرد برای ساخت معنا در ذهن مردم» است. سرنوشت جوامع را طرز فکر مردم می‌سازد و همین مسئله باعث می‌شود که نهادهای مبتنی بر اجبار و ارعاب در طولانی‌مدت دوام نیاورند؛ بنابراین «اگر اکثریت مردم به طرقی متضاد با ارزش‌ها و هنجارهای نهادینه‌شده در قوانین و قواعد تحمیل شده توسط دولت فکر کنند، آن نظام تغییر خواهد کرد» (کاستلز، ۱۳۹۳: ۱۳).

«انسان‌ها از طریق تعامل با محیط طبیعی و اجتماعی خود و از طریق شبکه‌بندی شبکه‌های عصبی خود با شبکه‌های طبیعت و شبکه‌های اجتماعی، ایجاد معنا می‌کنند. این شبکه‌بندی از طریق ارتباط، عملیاتی می‌شود. ارتباط فرایند به اشتراک‌گذاری معنا از طریق تبادل اطلاعات است. فرایند ارتباط اجتماعی شده، منبع کلیدی تولید اجتماعی معنا برای کلیت جامعه است. ارتباط اجتماعی شده در عرصه عمومی بیشتر از ارتباط بین فردی وجود دارد. دگرگونی مداوم فناوری اطلاعاتی در عصر دیجیتال دسترسی رسانه‌های ارتباطی به همه حوزه‌های زندگی اجتماعی را در شبکه‌ای که بر اساس الگوی دائم‌التغییر، در آن واحد هم محلی و هم جهانی و هم عمومی و هم سفارشی شده است، گسترش می‌دهد» (کاستلز، ۱۳۹۳: ۱۳). نتیجه‌ای که کاستلز از این مسئله می‌گیرد این است که «دگرگونی محیط ارتباطی به‌طور مستقیم بر اشکال ساخت معنا و در نتیجه بر تولید روابط قدرت تأثیر می‌گذارد» (همان: ۱۴)؛ بنابراین شبکه‌های ارتباطی، منابع مسلم قدرت‌سازی در عصر حاضر هستند. کاستلز ناکامی رسانه‌های جمعی در بازتاب مطالبات کنشگران اجتماعی را به وابستگی آنها به منافع دولتی و تجاری ربط می‌دهد. در تقابل با این وضعیت، شبکه‌های اینترنتی و پایگاه‌های ارتباط بی‌سیم وجود دارند که امکان ژرفاندیشی و هماهنگی کنش را به‌صورت نامحدود برای کنشگران ایجاد می‌کنند. کاستلز امکانی را که رسانه‌های جدید برای کنشگری در اختیار شهروندان قرار داده‌اند این‌گونه بیان می‌کند:

«شهروندان عصر اطلاعات با درگیر شدن در تولید پیام‌های رسانه‌ای توده‌ای و توسعه شبکه‌های مستقل ارتباط افقی قادر می‌شوند برای زندگی خود برنامه‌های جدیدی با مواد رنج‌ها، ترس‌ها، رؤیاها و امیدهای خود بیافرینند. آنها با به اشتراک‌گذاری تجربه خود، برنامه‌های خود را می‌سازند. آنها با اشغال رسانه و ایجاد پیام، روند معمولی ارتباط را ویران می‌کنند. آنها با شبکه‌بندی خواسته‌هایشان بر بی‌قدرتی نشئت‌گرفته از یأس تنهایی‌شان غلبه می‌کنند. آنها با شناسایی شبکه‌های موجود، با قدرت‌های موجود مبارزه می‌کنند» (کاستلز، ۱۳۹۳: ۱۶-۱۷).

### پیشینه تاریخی کنشگری دیجیتال

از ۱۹۹۰ که استفاده از اینترنت و دستگاه‌های دیجیتال برای فعالیت شروع شد، نمونه‌های بسیاری از کنشگری دیجیتال را در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی شاهد بوده‌ایم، اما بعضی از

آنها نقاط عطف مهمی هستند که نقش زیادی در تاریخ کنشگری دیجیتال بازی کرده‌اند و باعث شده‌اند که این کنشگری در سطح جهانی طرفداران زیادی پیدا کند. در ادامه، به این موارد به‌طور مختصر اشاره می‌کنیم.

معمولاً قیام زاپاتیستا<sup>۱</sup> در سال ۱۹۹۴ را به‌عنوان اولین نمونه در کنشگری دیجیتال در نظر می‌گیرند. این قیام با شورش‌های محلی شروع شد که برای حقوق و خودمختاری مردم بومی چاپیاس<sup>۲</sup> در جنگل‌های بارانی جنوب مکزیک تلاش می‌کردند. علت رشد و گسترش سریع این جنبش حمایت شبکه جهانی از آن بود که با موفقیتی که به‌دست آورد، به مبارزات محلی و بین‌المللی علیه جهانی‌سازی نئولیبرالی متصل شد. اینترنت برای پخش جهانی اعتراض و همبستگی تعیین‌کننده بود (Van Aelst & Van Laer, 2010: 1147). قیام زاپاتیستا را اولین اعتراض پست‌مدرن معرفی کرده‌اند، زیرا ارتباط جمعی به‌عنوان مهم‌ترین سلاح آن توصیف شده است (Sandvik, 2005: 13).

یکی از نمونه‌های دیگر که اغلب برای نشان دادن نقش اینترنت در شکل دادن به تاکتیک‌ها و اقدامات جنبش‌های اجتماعی، به‌کار می‌رود، جنبش ضد سازمان تجارت جهانی در اواخر سال ۱۹۹۹ در سیاتل<sup>۳</sup> است. با استفاده از شبکه باز اینترنت، طیف وسیعی از فعالان، گروه‌ها و سازمان‌های جنبش اجتماعی توانستند اقداماتشان را علیه سازمان تجارت جهانی هم در حالت آفلاین و در خیابان و هم در حالت آنلاین و در فضای مجازی هماهنگ کنند و با هم یکی شوند. اگرچه تعیین سهم اینترنت کار سختی است، اما این نمونه‌ها نشان می‌دهند که اینترنت به جامعه مدنی یک ابزار جدید برای حمایت از اهدافش داده است (Van Aelst & Van Laer, 2010: 1147)؛ بنابراین یک جنبش اعتراضی بین‌المللی در برابر نهادهای نئولیبرال و سیاست‌های جهانی‌سازی مرتبط با آنها شکل گرفت که از دموکراسی، عدالت اجتماعی و یک جهان بهتر دفاع می‌کرد (Kahen & Kellner, 2004: 87).

بعد از جنبش‌های زاپاتیستا و سیاتل، فعالان در سراسر جهان از ایمیل، وبسایت‌ها، وبلاگ‌ها و دیگر برنامه‌های کاربردی وب برای سازمان‌دهی فعالیت‌های مدنی در زمینه‌های مختلف در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی استفاده کرده‌اند (Harp et al, 2011: 301). در پی حملات ۱۱ سپتامبر و جنگ تروریستی در سطح جهانی، جریانی از کنشگری سیاسی افزایش

1 Zapatista

2 Chiapas

3 Seattle

یافت که اینترنت نقش محوری زیادی در آن بازی می‌کرد. در اواخر سال ۲۰۰۲ و اوایل سال ۲۰۰۳، جنبش‌های ضد جنگ جهانی به‌عنوان چالشی مهم در برابر سیاست‌های دولت بوش در قبال عراق و تهدید رو به رشد جنگ جهانی، ظاهر شدند. گروه‌های فعال ضد جنگ برای رسیدن به مخاطبان وسیع، از اینترنت برای انتقال اطلاعات ضد جنگ، سازمان‌دهی تظاهرات و ترویج تنوع وسیعی از فعالیت‌های ضد جنگ استفاده کردند. لازم است تظاهرات بی‌سابقه عمومی میلیون‌ها نفر در سراسر جهان را در تاریخ ۱۵ فوریه ۲۰۰۳ که یکصدخواستار برقراری صلح بودند، به یاد بیاوریم تا دریابیم که رسانه‌های جدید ابزار پیشگامانه‌ای برای دموکراسی جهانی هستند (Kahen & Kellner, 2004: 88).

از سال ۲۰۰۴ که استفاده از وب ۲٫۰ و متعاقب آن گسترش جهانی رسانه‌های اجتماعی آغاز شد، در مدت زمانی کوتاه، فعالان اهمیت این رسانه‌های جدید را در کنشگری دیجیتال دریافتند. در چندساله اخیر، استفاده از شبکه‌های اجتماعی در جنبش‌های کوچک و بزرگ اجتماعی به حدی رسیده است که دیگر نمی‌توان جنبشی را بدون شبکه‌های اجتماعی متصور شد (Bennett & Segerberg, 2013; Gerbaudo, 2012). در این مقطع از حیات جنبش‌های اجتماعی، می‌توان به نقش شبکه‌های اجتماعی در بهار عربی (Lim, 2012; Lotan et al, 2011) و جنبش اشغال‌وال‌استریت (Thorson et al, 2013; Bennett & Segerberg, 2012) اشاره کرد.

جنبش‌های اجتماعی، نخست در جهان عرب گسترش یافتند و با خشونت‌های مرگبار دیکتاتورهای عربی مواجه شدند. این جنبش‌ها سرنوشت‌های مختلفی را از پیروزی تا مصالحه و از کشتارهای مکرر تا جنگ داخلی تجربه کردند. با الهام از بهار عربی جنبش‌های دیگر علیه مدیریت نادرست بحران اقتصادی در اروپا و آمریکا در طول تابستان و پاییز ۲۰۱۱ فوارن کردند. در آمریکا، جنبش اشغال‌وال‌استریت<sup>۱</sup> که به اندازه سایر جنبش‌ها خودجوش بود و به اندازه سایر جنبش‌ها در فضای سایبر و فضای شهری شبکه‌ای شده بود، تبدیل به رویداد سال شد و بر بیشتر بخش‌های کشور تأثیر گذاشت تا آنجا که مجله تایم «معترض»<sup>۲</sup> را به‌عنوان شخصیت سال انتخاب کرد و شعار ۹۹ درصد که رفاهشان قربانی منافع یک‌درصدی شده بود که ۳۳ درصد ثروت کشور را کنترل می‌کنند، تبدیل به موضوع اصلی زندگی سیاسی آمریکا شد (کاستلز، ۱۳۹۳: ۱۱).

1 Occupy Wall Street  
2 Protester



## روش پژوهش

در پژوهش حاضر، از دو روش کیفی مردم‌نگاری مجازی و مصاحبه عمقی استفاده شده است. میسون (۱۹۹۹) مردم‌نگاری مجازی را این‌گونه تعریف می‌کند: مردم‌نگاری مجازی به این صورت است که مردم‌نگار خود را به‌طور کامل در واقعیت موجود غوطه‌ور می‌کند. واقعیتی که توسط گروه‌هایی از مردم که از ارتباطات با واسطه کامپیوتر استفاده می‌کنند و کامپیوتر وسیله ارتباطی غالب و اصلی آن‌هاست، تجربه می‌شود. به‌این‌ترتیب، افراد آنلاین یا مجازی، مشارکت‌کنندگانی هستند که محقق بر آنها تمرکز می‌کند. مردم‌نگاری مجازی در یک کلام، مردم‌نگاری‌ای است که فضای مجازی را به‌عنوان واقعیت مردم‌نگاری در نظر می‌گیرد (In Ducheneaut et al, 2010: 2). در این پژوهش، از سه ابزار گردآوری داده در مردم‌نگاری مجازی که شامل مشاهده مشارکتی آنلاین، مصاحبه‌های آنلاین و جمع‌آوری اسناد و مدارک هستند، استفاده شده است. پژوهش حاضر، برای بالا بردن غنای داده‌ها و همچنین به‌دست آوردن صحت داده‌هایی که از طریق مردم‌نگاری مجازی به‌دست آمده‌اند، از یک بخش آنلاین هم که به‌صورت مصاحبه عمقی با کنشگران مجازی است، استفاده کرده است.

در تفسیر آنچه مردم به‌صورت آنلاین در مورد زندگی آفلاینشان می‌گویند، پژوهشگر امکان بررسی دقیق مردم‌نگارانه را درباره اینکه جملات تا چه اندازه ساختگی هستند، ندارد. بروکمن<sup>۱</sup> (۲۰۰۲) بیان می‌کند: «مهم است که به یاد داشته باشید که تمام تحقیق‌های اینترنتی در یک زمینه اجتماعی درج شده‌اند. برای درک پدیده‌های مبتنی بر اینترنت شما باید این زمینه گسترده را درک کنید و در نتیجه اکثر تحقیق‌های آنلاین باید یک جزء آفلاین داشته باشند» (Bruckman, 2002: 3).

پژوهش حاضر، هم برای بالا بردن غنای داده‌ها و همچنین به‌دست آوردن صحت داده‌هایی که از طریق مردم‌نگاری مجازی به‌دست آمده‌اند، از یک بخش آفلاین هم که به‌صورت مصاحبه عمقی با کنشگران مجازی است، استفاده کرده است. پژوهشگر با مخرها و کنشگران فضای مجازی که قبل‌تر در این فضا شناسایی شده‌اند، به‌صورت حضوری دیدار داشته و در جریان یک مصاحبه عمیق به بررسی موضوع‌های موردنظر پرداخته است. مصاحبه عمیق یک روش تحقیق کیفی است که شامل انجام مصاحبه‌های فردی متمرکز با تعداد کمی از پاسخ‌دهندگان به‌منظور کشف دیدگاه‌هایشان در مورد یک ایده، برنامه و یا وضعیت خاص می‌شود (Neale & Boyce, 2006: 3).

جامعه مورد مطالعه در این پژوهش، در قسمت مردم‌نگاری مجازی و مصاحبه عمقی، کنشگران کُرد کشور عراق هستند که در توئیتر و فیس‌بوک فعال هستند. نمونه‌گیری در این پژوهش، برای هر دو روش مردم‌نگاری مجازی و مصاحبه کیفی به روش نمونه‌گیری غیر احتمالی هدفمند انجام شده است.

برای انجام این پژوهش به مدت شش ماه از اوّل فروردین تا ۲۵ شهریور ۱۳۹۶ در فضای مجازی حاضر شدیم و با استفاده از روش‌های مشاهده مشارکتی و جمع‌آوری اسناد در نهایت ۳۰۰ اکانت توئیتری کنشگران کُرد عراق را به‌عنوان نمونه انتخاب کردیم. در فضای مجازی شروع به گفت‌وگو با کنشگران کُرد عراق کردیم، در نهایت با کنشگرانی که حاضر به مصاحبه رودررو بودند، هماهنگی صورت گرفت. برای مصاحبه با کنشگران کُرد عراقی به شهرهای سلیمانیه و هولیر (اربیل) سفر کردیم. در نهایت با ۱۰ کنشگر کُرد عراقی به‌صورت رودررو مصاحبه عمقی صورت گرفت. مصاحبه‌ها به زبان کُردی با گویش سورانی صورت گرفتند و در مرحله پیاده‌سازی به فارسی برگردانده شدند.

برای تجزیه و تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از دو روش کیفی مردم‌نگاری مجازی و مصاحبه‌های عمقی از تحلیل تماتیک استفاده شد. تحلیل تماتیک یکی از متعارف‌ترین و پرکاربردترین روش‌های تحلیل داده‌های کیفی (به‌ویژه در مردم‌نگاری) است که در سایر رهیافت‌های تحلیلی هم به کار می‌رود. در روش تماتیک داده‌های مورد تحلیل؛ شامل داده‌های متنی، مصاحبه‌ها و داده‌های مشاهده‌ای متنی شده هستند. این تحلیل عبارت است از تحلیل متنی بر اساس استقرای تحلیلی که در آن محقق از طریق طبقه‌بندی داده‌ها و الگویابی درون‌داده‌ای و برون‌داده‌ای به یک سنخ‌شناسی و درک تحلیلی دست می‌یابد. به‌عبارت‌دیگر، تحلیل تماتیک عبارت است از عمل مفهوم‌یابی و شناسایی تم‌های محوری با هدف کشف این مهم که داده‌ها چه می‌گویند (محمدپور، ۱۳۹۰: ۶۶).

### یافته‌های پژوهش

تطبیق داده‌های به‌دست‌آمده از روش‌های مردم‌نگاری مجازی و مصاحبه عمقی با ادبیات نظری پژوهش، یافته‌های زیر را در رابطه با کنشگری اجتماعی کُردهای عراق در فضای مجازی نشان می‌دهد.

### انتقاد از عملکرد رسانه‌های جریان اصلی در اقلیم کردستان

پیش از پیدایی و گسترش روزافزون اینترنت و رسانه‌های جدید، برای سال‌های طولانی رسانه‌های جمعی اعم از روزنامه، رادیو و تلویزیون، اصلی‌ترین مجراهای فعالان در راه دستیابی به اهدافشان بوده‌اند. در تبیین دلایل گرایش افراد به استفاده از شبکه‌های اجتماعی، قبل از هر چیزی نیاز است که نگاه آنها را به رسانه‌های جریان اصلی که در کشورشان فعال هستند، بررسی شود. با توجه به اینکه کردستان عراق از سال ۱۹۹۱ به صورت خودمختار اداره می‌شود، برای کردهای این کشور فرصتی مهیا شده است تا بتوانند رسانه‌های کردزبان را در این منطقه راه‌اندازی کنند. آن‌گونه که از صحبت‌های کنشگران کرد عراقی برمی‌آید، رسانه‌های جریان اصلی در اقلیم کردستان از نظر کمی در وضعیت خوبی قرار دارند و رسانه‌های زیادی در این کشور در حال فعالیت هستند. زبان اصلی در این رسانه‌ها زبان کردی است و نقش زیادی در بازنمایی فرهنگ کردی دارند، اما مشکل اصلی رسانه‌ها در کردستان عراق این است که گفتمان‌های حزبی بر شیوه عمل رسانه‌ها سایه افکنده‌اند. حزبی بودن رسانه‌ها در کردستان عراق باعث شده است که رسانه‌ها در این کشور علی‌رغم کمیتی که دارند، از کیفیت لازم برخوردار نباشند. بیشتر کانال‌های تلویزیونی و رادیویی کردزبان در کردستان عراق وابسته به دو حزب PUK و KDP هستند (Sheyholislami, 2011). رسانه‌ها در کردستان عراق به صورت مستقیم و غیرمستقیم حزبی هستند و در جهت منافع مالکان خود فعالیت می‌کنند.

گزیده‌ای از نظرها کنشگران کرد عراقی در گفت‌وگو با پژوهشگر به شرح زیر است:

«ما در کردستان عراق رسانه بی‌طرف نداریم، حتی رسانه‌هایی مانند "روداو"، "کردستان ۲۴" و "ان آر تی" هم که مدعی مستقل بودن هستند، به احزاب و تجار وابسته‌اند. برای نمونه روداو متعلق به نچیروان بارزانی است هر چند که او هیچ‌گاه این مسئله را مستقیم قبول نکرده است، ولی منکر آن هم نشده است. از نوع انتشار اخبار در این رسانه‌ها و جهت‌گیری‌هایی که دارند، می‌توان مالک آنها را شناخت. هرگونه ادعای بی‌طرفی رسانه‌ای در کردستان عراق را می‌توان زیر سؤال برد. حزبی بودن و جانبداری مستقیم و غیرمستقیم رسانه‌ها از احزاب آزادی آنها را محدود کرده است و همین باعث شده است که بسیاری از فعالان رسانه از شبکه‌های اجتماعی برای منتشر کردن حرف خود استفاده کنند» (کاوآن).

«رسانه‌های حزبی در کردستان عراق وضعیت خوبی ندارند. رسانه‌های حزبی مخاطبان ویژه خود را دارند و طرفداران سایر احزاب آنها را تماشا نمی‌کنند» (برهم).

تعدادی از کنشگران معتقدند که سیاست‌زدگی در عملکرد رسانه‌ها باعث شده است که آنها نتوانند به‌صورت ریشه‌ای و تحلیلی به مسائل بپردازند. رسانه‌ها در کردستان عراق از یکدیگر تقلید می‌کنند و اخبار تکراری را بازتاب می‌دهند. نتیجه این وضعیت برای کنشگران در کردستان عراق سوق دادن آنها به سمت شبکه‌های اجتماعی است، در شرایطی که مسائل اجتماعی و دغدغه‌های مردم راهی در رسانه‌ها ندارند، فعالان از شبکه‌های اجتماعی برای انتشار اخبار استفاده می‌کنند. یکی کنشگران در این زمینه گفت:

«در کردستان عراق وسیله‌های ارتباطی و اطلاع‌رسانی زیادی وجود دارند، اما رسانه‌ها در اینجا بیشتر سیاسی و تقلیدی هستند و معمولاً در پوشش مسائل از یکدیگر پیروی می‌کنند. سیاسی بودن رسانه‌ها باعث شده است که نتوانند مسائل اجتماعی و به‌ویژه مسائل زنان را به‌خوبی پوشش دهند. تنها زمانی به موضوعات زنان پرداخته می‌شود که مراسم‌ها و مناسبت‌های خاصی باشند. معمولاً بعد از این مناسبت‌ها رسانه‌ها دیگر به موضوعات زنان اهمیت چندانی نمی‌دهند، مگر در مواردی که کشمکش و یا خشونت علیه زنان روی دهد. در مواردی مانند خودکشی زنان و یا تجاوز به زنان معمولاً رسانه‌ها تنها در قالب خبر آن را بیان می‌کنند و کمتر به دنبال راه‌حل برای مسائل زنان هستند. این مشکل در مورد سایر مسائل اجتماعی هم وجود دارد و باعث می‌شود که برخوردی ریشه‌ای با مسائل نشود» نرمین

در ارزیابی تأثیر حزبی بودن رسانه بر عملکرد روزنامه‌نگاران و گزارشگران، تعداد از کنشگران معتقد هستند که در کردستان عراق روزنامه‌نگاران هنوز نتوانسته‌اند مستقل باشند و خودشان را از گفتمان‌های حزبی جدا کنند. فؤاد به‌عنوان یک کنشگر سیاسی با بیان اینکه «حتی روزنامه‌نگارانی هم که به‌صورت حرفه‌ای کار می‌کنند، هنوز نوعی گرایش سیاسی در کارشان وجود دارد»، از عملکرد روزنامه‌نگاران در کردستان عراق انتقاد می‌کند. او در بخش دیگری از سخنانش تأکید می‌کند که «آمار بالای رسانه‌ها در کردستان عراق هیچ‌گاه به چندصدایی منجر نشده است»

## فرصت‌های شبکه‌های اجتماعی برای کنشگران کرد عراق

### گسترش شهروند خبرنگاری

برونز<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) توضیح می‌دهد که چگونه با وجود وبلاگ‌ها، ویکی‌ها و دیگر رسانه‌های اجتماعی، فضای تولید رسانه‌ای متحول شده است و دیگر شهروندان در کنار حرفه‌ای‌ها در

1 Axel Bruns

فرایند تولید نقشی تعیین‌کننده دارند (نقل‌شده در جهان‌شاهی، ۱۳۹۲: ۱۴۸). این اتفاق به شکل‌گیری خبرنگاری شهروندی منتهی شده است. کنشگران عراقی یکی از اصلی‌ترین مزایای اینترنت و شبکه‌های اجتماعی را گسترش شهروند خبرنگاری دانسته‌اند که تأثیر آن به‌حدی بوده است که روند انتشار خبر در رسانه‌های جریان اصلی را تغییر داده است.

گزیده‌ای از نظرها کنشگران کرد عراقی در گفت‌وگو با پژوهشگر به شرح زیر است:  
«امروزه شهروند خبرنگاری شکل گرفته است و هر کسی می‌تواند مدعی روزنامه‌نویسی شود» (فؤاد).

«با استفاده از شبکه‌های اجتماعی همه افراد جامعه روزنامه‌نگار و منتقل‌کننده خبر شده‌اند. هر طیف از مردم بنابر شرایط و موقعیتی که دارد نوع خاصی از اخبار را برجسته می‌کند. فیس‌بوک به مکانی برای رساندن اخبار و پیام‌ها تبدیل شده است» (نرمین).  
«در اینترنت شهروند خبرنگاری رواج پیدا کرده است و مردم از این طریق اخبار را به‌دست رسانه‌ها می‌رسانند. در حال حاضر مردم خبرنگار رسانه‌ها شده‌اند و هم در سطح ملی و هم در سطح بین‌المللی اخبار مربوط به نقاط مختلف کردستان را به‌دست رسانه‌های کردزبان کردستان عراق می‌رسانند» (کاروان کمال).

### از بین رفتن سانسور و کنترل دولت‌ها

فناوری‌های جدید دیجیتال، افراد ناشناس را قادر می‌سازند تا ایده‌ها و داستان‌های خود را در سراسر جهان آنلاین به اشتراک بگذارند و از وابستگی جهان‌بینی دنیای ما به منافع سیاسی و تجاری بکاهند و آن را به اطلاعات شبکه‌های اجتماعی متکی کنند (Maldonado et al, 2014). در حقیقت پتانسیل اینترنت برای تسهیل ارتباطات اجتماعی‌ای که بدون رهبری و تقریباً ناشناس است، باعث می‌شود که سانسور به چالش کشیده و یا واژگون شود و ارتباطات به‌طور گسترده‌ای برقرار شود، حتی اگر تحت نظارت باشد. واقعیت این است که در حال حاضر، شبکه‌های توزیع‌شده و غیرمتمرکز شده، کنترل فعالیت‌های آنلاین را برای نخبگان سخت کرده است (Bennett, 2003a). کنشگران کرد عراقی یکی از اصلی‌ترین مزایای اینترنت را از بین رفتن سانسور و کنترل دولت می‌دانند که به آنها این امکان را می‌دهد که محتوای موردنظر خود را منتشر کنند. نظر آنها در این زمینه به شرح زیر است:

«در اینترنت سانسور به حداقل می‌رسد و دیگر حکومت‌ها نمی‌توانند به محتوای منتشرشده نظارت کنند» (فؤاد).

«زمانی که شبکه‌های اجتماعی وجود نداشتند، سرعت انتقال خبر پایین بود، به همین دلیل، حکومت‌ها به راحتی می‌توانستند بر پخش اخبار نظارت داشته باشند و اجازه منتشر شدن بسیاری از اخبار را ندهند، ولی با ظهور شبکه‌های اجتماعی از این کنترل کاسته شده است. امروزه شبکه‌های اجتماعی انحصار دولت‌ها را شکسته‌اند. برای همین دولت‌ها تلاش می‌کنند با روش‌های مختلفی مانند فیلتر کردن جلوی شبکه‌های اجتماعی را بگیرند، ولی هیچ‌گاه در این زمینه موفق نشده‌اند و شبکه‌های اجتماعی همواره در دور زدن انحصار دولت‌ها موفق بوده‌اند» (کاروان صلاح).

«شبکه‌های اجتماعی بستری هستند که در آن هر فردی می‌تواند اعتقادات و باورهایی را که دارد، مطرح کند. در کردستان عراق شبکه‌های اجتماعی بیشتر از نظر سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ زیرا سیاست راه دیگری برای نشان دادن خود باقی نگذاشته است، اما در شبکه‌های اجتماعی هر فردی آزاد است که به میل خود از مقامات مثلاً رئیس‌جمهور انتقاد کند، در این شبکه‌ها می‌توان عملکردهای حزبی و حتی رؤسای احزاب را مورد بحث و بررسی قرار داد. لذا شبکه‌های اجتماعی تبدیل به دروازه‌ای شده‌اند که هر کس فریاد خود را در آنجا می‌زند. در حال حاضر شبکه‌های اجتماعی به جایگاهی دست یافته‌اند که اهمیت رسانه‌های جریان اصلی از دست رفته است» (احمد).

### مقاومت و فعالیت سیاسی در فضای مجازی

کنشگران کرد عراقی برای بیان مطالباتشان و تلاش برای تغییر وضعیت در حوزه‌های اجتماعی و سیاسی از رسانه‌های اجتماعی استفاده کرده‌اند. در بعضی از موارد که بسترهای معمول کنشگری برای افراد وجود ندارند، آنها با استفاده از فضای مجازی می‌توانند حمایت خود را از یک حرکت جمعی بیان کنند. شبکه‌های اجتماعی این فرصت را به کنشگران کرد عراقی داده‌اند که حرکات جمعی خود را سامان دهند و دیگران را نیز به حضور در این فعالیت‌های جمعی ترغیب کنند. همان‌طور که کامرتس<sup>۱</sup> (۲۰۱۵) بیان می‌کند؛ «رسانه‌های اجتماعی به‌طور بالقوه فرصت‌های جدیدی برای شهروندان و گروه‌های فرودست جامعه برای دور زدن کنترل دولت، بازار و رسانه‌های جریان اصلی مهیا کرده‌اند تا بتوانند هویت جمعی جایگزین را ایجاد کنند». تجربه کنشگران کرد عراقی از فعالیت و مقاومت در فضای مجازی به شرح زیر است:

«من یک روزنامه‌نگار هستم و فیس‌بوک به یک مکمل مهم برای کار من تبدیل شده است. بسیاری از مطالبی را که نمی‌توانم در روزنامه و دیگر رسانه‌ها منتشر کنم، در فیس‌بوکم

منتشر می‌کنم. بسیاری از مطالب انتقادی‌ای که من در فیس‌بوکم منتشر کرده‌ام، بازتاب زیادی داشته‌اند و حتی روزنامه‌نگاران دیگر هم از آنها استفاده کرده‌اند» (کاوان).  
«در بعضی از موارد هیچ کاری جز یک اقدام مجازی از دست ما برنمی‌آید و تنها از این طریق می‌توانیم خود را نشان دهیم و از مسئله‌ای خاص دفاع کنیم. برای نمونه زمانی که کوبانی تصرف شد، حمایت خود را از طریق هشتگ‌ها و توییت‌ها از آنها نشان دادیم و کمک‌های خود را از طریق شبکه‌های اجتماعی برای آنها فرستادیم» (برهم).  
«از هشتگ‌های مختلفی در سطح ملی و بین‌المللی استفاده کرده‌ام. برای نمونه استفاده از هشتگ‌ها در حمایت از رفراندوم و کارناول‌های مربوط به آن در هولیر، هشتگ کوبانی، هشتگ کولبر» (هزار).

نتایج مشاهدات و مطالعه توییت‌ها کنشگران کرد عراقی نیز مؤید این نکته است که آنها در مورد مسائل مختلف ملی و بین‌المللی جریان‌های خبری خودشان را در فضای مجازی به راه انداخته‌اند. برای نمونه در زمان برگزاری رفراندوم در عراق کنشگران با انتشار عکس‌ها، ویدئوها و متن‌های مختلف تلاش کرده‌اند که حمایت خود را از این مسئله نشان دهند. در ادامه یکی از پست‌هایی که کنشگران کرد عراقی برای حمایت از رفراندوم منتشر کرده‌اند ارائه می‌شود:



در تویییت بالا کنشگر کرد عراقی لزوم برگزاری رفراندوم را پیشینه تاریخی کردها در کشور عراق می‌داند و به حادثه کشتار «انفال» اشاره می‌کند. در این پست گفته شده است که با انفال خواستند که ما را نابود کنند، ولی ما با استقلال حقمان را از آنها می‌گیریم. صدام حسین در سال‌های ۱۹۸۶ تا ۱۹۸۸ کمپین انفال را علیه کردها به راه انداخت که به قتل، تبعید و ویرانی روستاها منجر شد. حداقل ۱۵۰ هزار کرد کشته شدند، یک و نیم میلیون نفر از مناطق کردنشین اخراج شدند و با مهاجران عرب جایگزین شدند (Torelli, 2017). در تبیین لزوم برگزاری رفراندوم و استقلال کردستان عراق کردهای عراق بارها به این تجربه تاریخی اشاره کرده‌اند.

بنابر آنچه مطرح شد، شبکه‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک و توییتر به کنشگران کرد عراقی این فرصت را داده‌اند که صدایی برای خود داشته باشند؛ یک صدای موازی که می‌تواند با صدای جریان‌های رسمی رسانه‌ای و یا صدای دولت‌ها متفاوت باشد. کنشگران می‌توانند بسیاری از مسائلی را که تا پیش از راهی برای طرح آنها وجود نداشت بیان کنند. تحقیقات اخیر در مورد استفاده از رسانه‌های اجتماعی برای فعالیت‌های اینترنتی از این ایده حمایت می‌کند که فناوری‌های اینترنتی به معترضان این امکان را می‌دهند که در روش‌های غیرمتمرکز و بدون مداخله قدرت مرکزی دست به سازمان‌دهی عمل جمعی بزنند (Sandoval & Almazan & Gil-Garcia, 2014: 368).

### در هم تنیدگی ابعاد آنلاین و آفلاین کنشگری

مطالعه کنشگری کردهای عراق نشان می‌دهد که تاکتیک‌های آنلاین و آفلاینی که توسط فعالان استفاده می‌شوند در رابطه پویا با یکدیگر قرار دارند. کنشگران کرد عراقی در بیان تجربیات خودشان از حرکت‌های اعتراضی و فعالیت‌های جمعی به نمونه‌های مختلفی اشاره کرده‌اند که در آنها حرکات جمعی هم‌زمان در دنیای آنلاین و آفلاین مشغول به کار بوده‌اند. برای نمونه یکی از کنشگران تجربه‌اش از حضور در کارناول‌هایی که در حمایت از انتخابات شکل گرفته‌اند را این‌گونه بیان کرد:

«در کارناوال‌ها و تجمع‌هایی که در حمایت از رفراندوم به پا شده‌اند حضور پیدا کرده‌اند. در بسیاری از موارد ما از طریق هشتگ‌ها و پست‌هایی که در فضای مجازی منتشر شده‌اند از این کارناوال‌ها باخبر شده‌ایم و در آنها حضور پیدا کرده‌ایم» (برهم).



محمد یکی دیگر از کنشگران کُرد است که در کارناوال‌هایی که در حمایت از فراندوم عراق شکل گرفته‌اند، حضور داشته است و با انتشار عکس‌هایش از حضور در کارناوال‌ها سعی داشته است دیگر فالورهایش را به حضور در این حرکات جمعی تشویق کند:

«من در بسیاری از کارناوال‌ها و تجمع‌هایی که در حمایت از فراندوم شکل گرفته‌اند حضور داشته‌ام. معمولاً وقتی هیجان و اشتیاق مردم را برای انتخابات می‌دیدم، نمی‌توانستم از کنارش بی‌تفاوت بگذرم و دوست داشتم این تجربه را با دیگران نیز به اشتراک بگذارم. حداقل کاری که در آن شرایط می‌توانستم بکنم، این بود که عکسی از خودم در توییت منتشر کنم و از این طریق سایر دوستان و فالورهایم را به حضور در این فضا تشویق کنم» (محمد).

مشاهدات در فضای مجازی نیز مؤید همین نکته هستند که کنشگران کُرد عراقی با انتشار تصاویر و ویدئوهایی از حضور خود در کارناوال‌های حمایت از فراندوم تلاش کرده‌اند حمایت دیگران را نیز در این زمینه جلب کنند. برای نمونه یکی از کنشگران کُرد عراقی توییت زیر را منتشر کرده است:



گفته‌های کنشگران کُرد عراقی در مورد اینکه آنها از فضای مجازی برای تقویت کنشگری در فضای واقعی استفاده کرده‌اند، و از کنشگری در فضای واقعی برای تقویت کنشگری مجازی

استفاده کرده‌اند. تأیید نظر کسانی مانند هارلو<sup>۱</sup> (۲۰۱۲)، هارلو و هارپ<sup>۲</sup> (۲۰۱۲) و وارنلی<sup>۳</sup> و گورگلو<sup>۴</sup> (۲۰۱۵) است که معتقدند فعالیت‌های آنلاین و آفلاین کنشگران می‌توانند یکدیگر را تقویت کنند. تجربه سایر کنشگران کرد عراقی از حضور در سایر کمپین‌های واقعی/مجازی نیز مؤید همین نکته است:

«ما از طریق کمپین‌هایی که در فضای مجازی تشکیل داده‌ایم توانسته‌ایم کمک‌های نقدی و غیرنقدی زیادی را برای آوارگان سوری جمع‌آوری کنیم و به دستشان برسانیم» (کاروان کمال).

«من در بسیاری از فعالیت‌هایی که در فضای مجازی برای آنها تبلیغات گسترده‌ای وجود داشته است حضور پیدا کرده‌ام که از آن جمله می‌توانم به حضور در کمپین‌هایی که برای جمع‌آوری کمک و غذا برای آوارگان سوری و فقیران شکل گرفته‌اند و حضور در تجمع‌هایی که در دفاع از حقوق زنان شکل گرفته‌اند، اشاره کنم» (نرمین).

نویسندگان مختلفی نظیر دلاپورتا<sup>۵</sup> و موسکا<sup>۶</sup> (۲۰۰۵) و لانگمن<sup>۷</sup> (۲۰۰۵) نشان داده‌اند که یک جنبش آنلاین زمانی می‌تواند به موفقیت در دنیای واقعی دست پیدا کند که یک هم‌تای غیرسیاسی آفلاین داشته باشد. کنشگران کرد عراقی نیز به این نکته اذعان داشته‌اند و دلیل موفقیت بسیاری از کمپین‌های مجازی را به حضورشان در فضای واقعی ربط داده‌اند. هلین که یکی از کاربران فعال در فضای مجازی است تجربه‌اش را در این زمینه این‌گونه شرح داد:

«در بسیاری از موارد تشکیل یک کمپین و یا هشتگ سبب ارتباط در دنیای واقعی شده است. این کمپین‌های مجازی زمانی تأثیر بیشتری خواهند داشت که با اعمال واقعی تلفیق شوند. بسیاری از کمپین‌هایی که من در آنها حضور داشته‌ام، در هر دو فضای مجازی و فضای واقعی فعال بوده‌اند» (هلین).

دالگرن<sup>۸</sup> (۲۰۱۳) می‌نویسد: «ما می‌توانیم و باید همواره بین زمینه‌های آفلاین و آنلاین تمایز قائل شویم، اما زندگی ما وابسته به درهم تنیدگی آن‌هاست. این دو بعد درهم‌تنیده شده‌اند و نمی‌توانند از هم جدا شوند» (Dahlgren, 2013: 38). مطالعه کنشگری کردها در

1 Summer Harlow  
2 Dustin Harp  
3 Kaan Varnali  
4 Vehbi Gorgulu  
5 Donatella della porta  
6 Lorenzo Mosca  
7 Lauren Langman  
8 Peter Dahlgren

فضای مجازی و واقعی نشان می‌دهد که این دو بعد فعالیت به‌حدی درهم‌تنیده شده‌اند که تفکیک و مرزبندی آنها ناممکن است. در بسیاری از لحظات عمل جمعی آنها این حرف کاروان صلاح، کنشگر فعال سیاسی بروز پیدا می‌کند که «فضای مجازی و فضای واقعی مکمل یکدیگر هستند و برای عمل به یک اقدام مجازی باید در دنیای واقعی هم کار کرد». (کاروان صلاح)

### تعامل درون‌قومیتی با کنشگران سایر کشورها

شیخ‌الاسلامی (۲۰۱۱) به حوادث انفال و شیماباران سال ۱۹۸۸ اشاره می‌کند که در آن صدام حسین دست به نسل‌کشی کرده‌های عراق می‌زند. علی‌رغم عمق این فاجعه، ولی در اذهان جهانی و حتی در بین خود کردها تصویری دقیق از آن شکل نمی‌گیرد، بنابراین واکنش‌ها به آن بسیار محدود بوده‌اند. شیخ‌الاسلامی دلیل اصلی این مسئله را عدم دسترسی کردها به رسانه می‌داند و در ادامه تصریح می‌کند که با آمدن اینترنت شرایط برای کردها تغییر کرده است؛ «اینترنت فضای ارتباطی جایگزینی برای تولید و بازتولید هویت کردی فراهم کرده است» (Sheyholislami, 2011:7). گسترش استفاده از رسانه‌های اجتماعی شرایط را برای کنشگران کرد تغییر داده و باعث شده است که آنها بتوانند به حوادثی که در مناطق مختلف کردنشین روی می‌دهند، واکنشی جهانی نشان دهند. کنشگران کرد عراقی به این نکته تأکید داشته‌اند که استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی ارتباط آنها را با کردهای سایر کشورها افزایش داده است و باعث شده است که بتوانند با آنها به کنش‌های مشترکی دست بزنند. یکی از کنشگرها به کمپین‌هایی که در فضای مجازی در حمایت از کولبرها در ایران شکل گرفته‌اند، اشاره می‌کند و حضورش را در این کمپین‌ها این‌گونه شرح می‌دهد:

«امروزه با استفاده از اینترنت می‌توانیم از اوضاع و احوال کردهای سایر کشورها باخبر شویم.

برای نمونه از طریق شبکه‌های اجتماعی از مسائل مربوط به کولبرها خبردار شدم و در

کمپین‌های مجازی که برای حمایت از کولبرها شکل گرفت حاضر شدم» (برهم).

کنشگران دیگری تجربه‌شان را از فعالیت‌هایی که برای کمک به کردهای سایر کشورها در

فضای مجازی و واقعی انجام داده‌اند، این‌گونه بیان می‌کنند:

«من خودم کمپین‌هایی را در فضای مجازی راه‌اندازی کرده‌ام. برای نمونه در حمایت از

کودکان شین‌آباد کمپینی را راه‌اندازی کردیم که یک عمل انسانی در حمایت از این کودکان

بود. این کمپین به هیچ حزبی وابسته نبود، و دوست نداشتیم به ما تهمت جانب‌داری زده

شود» (فؤاد).

«از هشتگ‌های مختلفی در مورد مسائل گردهای سایر کشورها استفاده می‌کنم. برای نمونه کمپین‌های مختلفی را برای جمع‌آوری کمک برای گردهای کوبانی در فضای مجازی تشکیل داده‌ایم و با همکاری گردهای سایر کشورها این کمک‌ها را به دست آنها رسانده‌ایم» (محمد).

در مطالعات تأثیر اینترنت بر کنشگری چیزی که بیشترین توجه را به خود اختصاص داده است، پتانسیل این وسیله ارتباطی برای فراملی کردن مبارزات و ایجاد ائتلاف در خارج از کشور است (Tarrow, 2005; Bennett, 2003a; 2003b; Van Laer & Van Aelst, 2010). جنبش‌های اجتماعی به‌طور فزاینده‌ای از محلی به ملی و اخیراً به حوزه‌های فراملی نقل مکان کرده‌اند. این همچنین نشان می‌دهد که افراد بیشتری می‌توانند آنها را مشاهده کنند و یا حتی ممکن است درگیر فعالیت‌های جنبش‌های اجتماعی شوند، به شرطی که ابزار کافی برای ارتباط و آماده‌سازی وجود داشته باشد (Rucht, 2004: 44). فراملی شدن جنبش‌های اجتماعی برای کنشگران گردهای عراقی به این معناست که آنها می‌توانند با هم‌تایانشان در دیگر ایالت‌ها ارتباط برقرار کنند و کنش‌هایی را برای تغییر شرایط سامان دهند. یکی از کنشگران تجربه خود را در این زمینه این‌گونه بیان کرد:

«من با خود شما (اشاره به پژوهشگر) از طریق شبکه‌های اجتماعی (توییتر) آشنا شدم و این ارتباط و این مصاحبه از طریق اینترنت آغاز شد. این نمونه خود نشان می‌دهد که اینترنت ارتباط و تعامل با گردهای سایر کشورها را راحت‌تر کرده است. در کردستان عراق هیچ فیلترینگ و محدودیتی در استفاده از شبکه‌های اجتماعی وجود ندارد و همین باعث شده است که مردم به آسانی بتوانند از این رسانه‌ها برای برقراری ارتباط با گردهای سایر نقاط جهان استفاده کنند. ما با استفاده از رسانه‌های اجتماعی می‌توانیم دنیای بیرون را بشناسیم و خودمان را به مردمان دیگر بشناسانیم و بگوییم که ما هم هستیم» (کاروان کمال).

### بحث و نتیجه‌گیری

گسترش استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی، ساحت‌ها و عرصه‌های مختلف زندگی بشر را دگرگون کرده است. یکی از حوزه‌هایی که این شبکه‌های نوظهور نقش زیادی در متحول کردن آن داشته‌اند، حرکات جمعی هستند که به‌منظور تغییر شرایط صورت می‌گیرند. تمرکز پژوهش حاضر، بر مطالعه کنشگری اجتماعی گردهای کشور عراق در فضای مجازی

است. نتایج این پژوهش نشان‌دهنده آن است که با گسترش استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی از سوی کنشگران کرد در کشور عراق، کنشگری در این کشور تغییرات زیادی را پشت سر گذاشته است. شبکه‌های اجتماعی به عنصری اصلی در کنشگری کردهای عراق تبدیل شده‌اند و آنها برای انواع کنش‌های آنلاین و آفلاین خود در سطح محلی، ملی و بین‌المللی از این شبکه‌های جدید استفاده می‌کنند.

یکی از اصلی‌ترین دلایلی که کنشگران کرد عراقی را به استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای کنشگری سوق می‌دهد، مشکلاتی است که آنها در استفاده از مجراهای اصلی برای کنشگری دارند. علی‌رغم اینکه موقعیت خودمختار کردها در کردستان عراق این زمینه را برای آنها ایجاد کرده است که بتوانند رسانه‌های خودشان را داشته باشند، با این وجود، وابستگی رسانه‌ها به مواضع حزبی باعث شده است که آنها نتوانند به کنشگران این کشور کمک کنند تا بتوانند صدایی برای بیان مطالباتشان داشته باشند. بنابراین کنشگران این کشور به استفاده از فضای مجازی به‌عنوان بستری جایگزین برای کنشگری اتکا کرده‌اند.

بنابراین همان‌طور که کاستلز (۱۳۹۳) بیان می‌کند دگرگونی در شیوه‌های ارتباطی باعث شده است که اشکال قدرت در جامعه نیز تغییر کنند و از این طریق ضد قدرت بتواند مجرایی برای مطرح شدن در فضای عمومی داشته باشد. ضد قدرت در کشور عراق همان کنشگران اجتماعی‌ای هستند که از شبکه‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک و توییتر برای بیان مطالباتشان استفاده می‌کنند. مزایای اینترنت و شبکه‌های اجتماعی برای این افراد شامل مواردی نظیر گسترش شهروند خبرنگاری، از بین رفتن سانسور و کنترل دولت‌ها و امکان مقاومت و فعالیت سیاسی است. نکته حائز اهمیت در کنشگری کردهای عراق این است که ابعاد آنلاین و آفلاین کنشگری درهم‌تنیده شده‌اند. همان‌طور که کاستلز (۱۳۹۳) مطرح می‌کند «جنبش‌های اینترنتی تنها با اشغال فضای شهری به جنبش تبدیل می‌شوند». تجربه کنشگری کردها در کشور عراق نیز مؤید این نکته است که کنشگران به‌طور دائم در حال جابه‌جایی در مرزهای آنلاین و آفلاین کنشگری هستند.

یکی از بارزترین ویژگی‌های کنشگری کردهای عراق در فضای مجازی ارتباطی است که آنها با کردهای سایر کشورها پیدا می‌کنند و از این طریق می‌توانند به کنش‌های مشترکی در راستای هویت کردی‌شان دست بزنند، درحالی‌که تا پیش از این، نداشتن وسیله ارتباطی مناسب باعث شده بود که کنشگران کرد عراقی نتوانند مسائل و مشکلاتشان را با جهان بیرون و

به‌ویژه گُردهای سایر کشورها به اشتراک بگذارند (Sheyholislami, 2011)، با گسترش استفاده از شبکه‌های اجتماعی این امکان برای گُردهای کشور عراق ایجاد شده است که با همتایانشان در سایر کشورها به کنش‌های مشترکی در سطح محلی و جهانی دست بزنند. بنابراین چیزی که در ادبیات کنشگری از آن به‌عنوان بین‌المللی شدن جنبش‌های اجتماعی یاد می‌شود، برای کنشگران گُرد به‌معنای نزدیک شدن با گُردهای کشورهای دیگر در راستای دست زدن به اقدامات مشترک است.

## منابع

- جهانشاهی، امید (۱۳۹۲) تأثیر رسانه‌های اجتماعی بر خبرنگاری رسانه‌های اجتماعی: ابعاد و ظرفیت‌ها، تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها، (ص. ۱۳۵ - ۱۶۴).
- خانیکی، هادی و حسین بصیریان جهرمی (۱۳۹۲) کنشگری و قدرت در شبکه‌های اجتماعی مجازی «مطالعه کارکردهای فیس‌بوک در فضای واقعی»، فصلنامه علوم اجتماعی، ۲۰ (۶۱)، ۴۵-۸۰.
- خجیر، یوسف و هادی خانیکی (۱۳۹۸). گفت‌وگو در شبکه‌های اجتماعی مجازی (تحلیل سیستماتیک پژوهش‌های مرتبط)، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۱۵ (۵۴)، ۷۶-۵۱.
- رازقی، نادر، شارع پور، محمود، و علیزاده، مهدی. (۱۳۹۶). تحلیل کیفی انگیزه‌های عضویت در شبکه اجتماعی فیس‌بوک. فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۱۳ (۴۷)، ۱۱-۴۲.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۹۳) شبکه‌های خشم و امید: جنبش‌های اجتماعی در عصر اینترنت. ترجمه مجتبی قلی‌پور. تهران: نشر مرکز.
- کرمانی، حسین و علی آتش زر (۱۳۹۸) مطالعه رویه‌ها و عوامل مؤثر بر استفاده از رسانه‌های اجتماعی در ایران و رابطه آن با ساختارهای سیاسی و اجتماعی، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۱۵ (۵۷)، ۲۵۱-۲۸۸.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۰) ضد روش ۲: مراحل و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی، تهران: جامعه‌شناسان.
- Ayers, M. D. (2003). Comparing collective identity in online and offline feminist activities. In McCaughey, M. & Ayers, M.D. (eds.) *Cyberactivism: online activism in theory and practiced*. New York: Routledge, pp. 145-164.
- Bennett, W. L. & Segerberg, A. (2013). *The logic of connective action: digital media and the personalization of contentious politics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Bennett, W. L. (2003a). *New Media Power: The Internet and Global Activism*. In N. Couldry., & J. Curran (eds). *Contesting media power* (pp. 17 - 37). Lanham, MD: Rowman & Littlefield.
- Bennett, W. L. (2003b). *Communicating global activism*. *Information, Communication & Society*, 6 (2) , 143-168.
- Bennett, W. L., & Segerberg, A. (2012). *The logic of connective action: Digital media and the personalization of contentious politics*. *Information, Communication & Society*, 15 (5) , 739-768.
- Boyce, C., & Neale, P. (2006). *Conducting in-depth interviews: A Guide for Designing and Conducting In-Depth Interviews for Evaluation Input*. Pathfinder International Watertown, MA.
- Bruckman, A. (2002). *Ethical guidelines for research online*. <http://www.cc.gatech.edu/~asb/ethics/> (accessed 17 March 2004).

- Cammaerts, B. (2005). ICT-Usage Among Transnational Social Movements in the Networked Society – to Organise, to Mobilise and to Debate, in R. Silverstone (ed.) , Media, Technology and Everyday Life in Europe: From Information to Communication, Aldershot: Ashgate, pp. 53–72.
- Cammaerts, B. (2007). Activism and media. In B, Cammaerts., & N, Carpentier (eds). Reclaiming the media: communication rights and democratic media roles (pp. 217-224). Bristol, UK: Intellect Books.
- Cammaerts, B. (2015). Social media and activism. In R, Mansell., & P, Hwa (Eds.). The International Encyclopedia of Digital Communication and Society (pp. 1027-1034). Oxford, UK: Wiley-Blackwell.
- Dahlberg-Grundberg, M. (2016). Digital media and the transnationalization of protests. Department of Sociology. Umeå University.
- Della Porta, D., & L. Mosca (2005). Globalnet for global movements? A network of networks for a movement of movements. *Journal of Public Policy* 25 (01): 165-190.
- Ducheneaut, N., Yee, N., & Bellotti, V. (2010). The Best of Both (Virtual) Worlds: Using Ethnography and Computational Tools to Study Online Behavior. *Ethnographic Praxis in Industry Conference Proceedings*: 136–148.
- Gerbaudo, P. (2012). *Tweets and the Streets*. London: Pluto Press.
- Gitlin, T. (1980). *The whole world is watching: Mass media in the making & unmaking of the new left*. Berkeley, CA: University of California Press.
- Gunter, M. M. (2009). *The A to Z of the Kurds*. Lanham, MD; Toronto; Plymouth, UK
- Harlow, S. (2012). *Social Change and Social Media: Latin American Activists' Use of Digital Tools in the Face of the Digital Divide*. Presented at the The 2012 Congress of the Latin American Studies Association, San Francisco, California.
- Harlow, S., & Harp, D. (2012). *Collective Action on the Web: A cross-cultural study of social networking sites and online and offline activism in the United States and Latin America*. *Information, Communication & Society*, 15 (2) , 196-216.
- Harp, D., Bachmann, I., & Guo, L. (2012). *The Whole Online World Is Watching: Profiling Social Networking Sites and Activists in China, Latin America, and the United States*. *International Journal of Communication*, 6, 24.
- Joyce, M. (2010). *Digital Activism Decoded: The New Mechanics of Change*. New York: international debate education association.
- Kahen, R., & Kellner, D. (2004). *New media and internet activism: from the 'Battle of Seattle' to blogging*. *New Media and Society*, 6 (1) , 87–95.
- Kavada, A. (2015). *Creating the collective: social media, the Occupy Movement and its constitution as a collective actor*. *Information, Communication & Society*, 18 (8): 872-886.
- Langman, L. (2005). *From Virtual Public Spheres to Global Justice: A Critical Theory of Interneted Social Movements*. *Sociological Theory*, 23 (1): 42–74.
- Lee, Y. H., & Hsieh, G. (2013, April). *Does slacktivism hurt activism? The effects of moral balancing and consistency in online activism*. In *Proceedings of the SIGCHI Conference on Human Factors in Computing Systems* (pp. 811-820).
- Lewis, J., Wahl-Jorgensen, K., & Inthorn, S. (2004). *Images of a citizenship on television news: Constructing a passive public*. *Journalism Studies*, 5 (2) , 153-164.
- Lim, M. (2012). *Clicks, cabs and coffee houses: social media and oppositional movements in Egypt 2004-2011*. *Journal of communication*, 62 (2): 231- 248.



- Lotan, G., Graeff, E., Ananny, M., Gaffney, D., Pearce, I. and boyd, d. (2011). The revolutions were tweeted: information flows during the 2011 Tunisian and Egyptian revolutions. *International journal of communication* 5: 1375- 1405.
- Maldonado, A., García, M.L., Cabrera, J.O., Lien, S.N., & Fortea, E.M. (2014). The Communication Dilemma of Reach in Online Activism. *Communication Studies Master Module Project Report*, RUC - Roskilde Universitetscenter.
- McLeod, D. M., & Hertog, J. K. (1999). Social control, social change and the mass media's role in the regulation of protest groups. In D. Demers & K. Viswanath (Eds.) , *Mass media, social control and social change: A macrosocial perspective* (pp. 305–330). Ames, IA: Iowa State University Press.
- Poell, T., & van Dijck, J. (2015). Social Media and Activist Communication. In C. Atton (Ed). *The Routledge Companion to Alternative and Community Media* (pp 527-537). London: Routledge.
- Rucht, D. (2004). The quadruple 'A': Media strategies of protest movements since the 1960s. In W, Donk., B.D, Loader., P.G, Nixon., & D, Rucht (eds). *Cyberprotest: New Media, Citizens and Social Movements* (PP, 25 - 48). New York: Routledge.
- Sandoval-Almazan, R., & Gil-Garcia, J. R. (2014). Towards cyberactivism 2.0 Understanding the use of social media and other information technologies for political activism and social movements. *Government Information Quarterly*, 31 (3) , 365–378.
- Sandvik, T. P. (2005). *Cyberactivism - A Virtual Ethnography of the Zapatistas*. (Master's thesis) , University of oslo.
- Sheyholislami, J. (2011). *Kurdish identity, discourse, and new media*. Springer.
- Tarrow, S. (2005). *The new transnational activism*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Thorson, K., Driscoll, K., Ekdale, B., Edgerly, S., Thompson, L. G., Schrock, A..... & Wells, C. (2013). YouTube, Twitter and the Occupy movement: Connecting content and circulation practices. *Information, Communication & Society*, 16 (3) , 421-451.
- Torelli, S. M. (2017). *Kurdisdtan. An Invisible Nation*. Edizioni Epoké.
- Van Laer, J., & Van Aelst, P. (2010). internet and social movement action repertoires. *Information, Communication & Society*, 13 (8) , 1146-1171.
- Varnali, K., & Gorgulu, V. (2015). A social influence perspective on expressive political participation in Twitter: the case of #OccupyGezi. *Information, Communication & Society*, 18 (1): 1–16.
- Vegh, S. (2003). Classifying forms of online activism: The case of cyberprotests against the World Bank. In M. McCaughey., & M. Ayers (Eds). *Cyberactivism: Online activism in theory and practice* (pp. 71–95). New York: Routledge.